

کپی‌رایت در مطبوعات

محمد هادی میرشمسی^۱

چکیده

حقوق مؤلف مجموعه حقوق خصوصی و فردی است که به موجب قانون به دارنده و آفریننده یک اثر ادبی و هنری به پاس‌داشت تلاش فکری و خلاقانه او داده می‌شود تا بدین ترتیب هم بتواند از منافع و مزیت‌های ناشی از آن بهره‌برد و هم این که از اثر خود در مقابل دیگران حمایت نماید. این حقوق در مقررات حوزه مطبوعات، آن طور که شایسته است، مطرح نشده است. مطبوعات عهده‌دار اطلاع‌رسانی به جامعه بوده و رسالت روشن ساختن افکار عموم افراد جامعه را بر دوش می‌کشند و از این روی ممکن است در راستای انجام این رسالت، حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری را نقض نمایند. ایجاد تعادل بین حقوق مطبوعات و آزادی آنها از یک سوی و حقوق مؤلفین از سویی دیگر، امری ضروری است که باید مدنظر قانونگذاران ملی و بین‌المللی قرار گیرد. اصل بر آن است که حقوق مؤلف اعم از حقوق مادی و معنوی مورد حمایت قرار گیرد و نقضی نسبت به آن صورت نگیرد، اما در جایی که هدف، اطلاع‌رسانی به عموم افراد جامعه باشد، نقض کپی‌رایت مشمول استثنائاتی است که باید مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش حقوق مؤلف در مطبوعات بررسی شده، تأثیر متقابل آن دو با یکدیگر تبیین می‌شود.

واژگان کلیدی: کپی‌رایت، مؤلف، مطبوعات، آزادی مطبوعات، مقررات ملی، مقررات

بین‌المللی

مقدمه

مطبوعات صرف نظر از گونه‌های شکلی و ظاهری آن اعم از چاپی یا الکترونیک، نقش مهم و غیر قابل انکاری در آگاهی افراد نسبت به اخبار و وقایع جوامع و همچنین دسترسی آنها به این اطلاعات دارند.

رشد وسایل ارتباط جمعی از جمله مطبوعات می‌تواند در توسعه جوامع تأثیر به‌سزایی داشته باشد. «برای تعیین شاخص‌های توسعه رسانه‌ها در سراسر جهان، چهار زمینه مورد توجه است: ۱- تحکیم و تقویت اصل آزادی تأسیس و انتشار مطبوعات و پایگاه‌های اطلاعاتی و خبری اینترنتی؛ از لغو الزام به کسب اجازه‌ی دولتی برای انتشار روزنامه‌ها و ضرورت ارسال اعلام‌نامه یا اقدام به ثبت نام نشریات، تا اکتفا به درج نام و مشخصات و نشانی ناشران، ۲- گسترش حق دسترسی آزادانه همگان به اطلاعات؛ اهمیت تصویب قوانین آزادی اطلاعات و حق اطلاع، ۳- جانمایی شوراهای عالی رسانه‌ای در تصدی مسئولیت‌های قبلی وزارت خانه‌های اطلاعات و ارتباطات برای نظارت بر وسایل ارتباط جمعی و ۴- غیر جزایی سازی جرائم مطبوعاتی و رسانه‌ای برای جلوگیری از تعطیلی رسانه‌ها و توقیف روزنامه نگاران». (معمدنژاد، ۱۳۹۰، ص ۲)

شروع روزنامه‌نگاری در ایران را می‌توان از زمان فتحعلی‌شاه، محمدشاه و ابتدای پادشاهی ناصرالدین‌شاه دانست. اولین روزنامه‌ی چاپی ایران در زمان سلطنت محمدشاه قاجار، به وسیله‌ی میرزا صالح شیرازی در تهران تأسیس شد که «کاغذ اخبار» نامیده می‌شد. دومین نشریه‌ی ایران نیز نشریه‌ای بود که در شهرستان ارومیه به چاپ رسید. و اما «وقایع اتفاقیه» نام سومین نشریه‌ای بود که در ایران و به شکل امروزی آن به صورت هفتگی منتشر گردید. پس از مشروطیت نیز چهار روزنامه بودند که به طور روزانه در ایران به چاپ می‌رسیدند. (نجفی، ۱۳۹۲، ص ۲)

با ارتقای نقش مطبوعات در پیشرفت جوامع از یک سو و شکل‌گیری و رشد نظام حقوقی مالکیت ادبی و هنری از سویی دیگر، رعایت حقوق مادی و معنوی مؤلفان، روزنامه‌نگاران و دارندگان آثار منتشره در مطبوعات و پیشگیری و مقابله با نقض حقوق این اشخاص، به عنوان مسئله‌ای مهم مطرح گردید.

منطق حقوق مالکیت ادبی و هنری، دادن حق مالکانه به دارندگان آثار منتشره در مطبوعات را به عنوان ما به ازای تلاش فکری و خلاقیت آنان اقتضا دارد؛ چرا که هر آنچه بر اساس تلاش و زحمت پدیدآورنده‌اش به وجود آید، مورد حمایت خواهد بود. هر چند که بر اساس اصل دسترسی آزاد به اطلاعات مندرج در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸، همه‌ی شهروندان حق دارند به افکار و اخبار و اطلاعات در سطح داخلی و بین‌المللی دسترسی داشته باشند و مطبوعات نیز در این جا به عنوان وسیله‌ای برای این آگاهی‌ها مطرح می‌شوند، ولی اجرای این اصل نباید به دارنده‌ی آن لطمه وارد ساخته و حقوق مؤلف آن نادیده انگاشته شود. بر این اساس لازم می‌نماید قانون‌گذارهای کشورهای مختلف حمایت‌های خود را از آثار منتشره در مطبوعات اعلام نمایند و به شناسایی حقوق دارندگان این آثار و استثنائات ناظر بر آن بپردازند. بنابراین در اثر اعمال اصل دسترسی آزاد به اطلاعات و به تبع آن تضمین حقوق افراد در دستیابی به اطلاعات، برخی از آثاری که در مطبوعات منتشر می‌شوند، از حقوق مادی مؤلف مستثنی می‌گردند.

در این مقاله، ضمن تعریف مطبوعات، حقوق آثار ادبی و هنری منتشر شده در مطبوعات بررسی می‌شود. ابتدا مطبوعات و آزادی عملکرد آنها و همچنین رویکرد حقوق مالکیت ادبی و هنری نسبت به آنها بررسی شده (گفتار نخست) و در گفتار دوم حقوق پدیدآورندگان آثار انتشار یافته در مطبوعات مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

گفتار نخست: مطبوعات و رویکرد حقوق مالکیت ادبی و هنری به آن

در این گفتار ابتدا مفهوم مطبوعات و آزادی مطبوعات بررسی شده، سپس نگاه نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری به آن مطرح می‌شود.

قسمت نخست: مطبوعات و آزادی مطبوعات

بند نخست: تعریف مطبوعات

برای مطبوعات دو معنا ارائه شده است: «۱- مجموع وسایلی که برای نشر افکار به وسیله‌ی نوشته، چاپ و تصویر به کار رود. ۲- روزنامه‌ها و نامه‌هایی که به طور متناوب و ادواری منتشر می‌گردد، مانند مجلات هفتگی و ماهانه و فصل نامه‌ها و مجلات سالانه و

غیره». (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۷، ص ۳۴۰۱) در تعریفی دیگر، مطبوعات هر نشریه‌ی دوره‌ای است که مهم‌ترین قسمت آن شامل اخبار و مسائل عمومی یا تفاسیر و توضیحات مربوط به آن باشد. (، ۲۰۱۷، *The press and Registration of books act*, P. ۵)

قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲، در ماده‌ی اول خود، تعریف مطبوعات را بدین شرح آورده است: «مطبوعات در این قانون عبارت‌اند از نشریاتی که به طور منظم و با نام ثابت و تاریخ و شماره‌ی ردیف در زمینه‌های گوناگون خبری، انتقادی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، کشاورزی، فرهنگی، دینی، علمی، فنی، نظامی، هنری، ورزشی و نظایر این‌ها منتشر می‌شوند».

آئین‌نامه اجرایی این قانون که مصوب سال ۱۳۸۱ هیأت وزیران است، در تکمیل ماده‌ی ۱ قانون مطبوعات بیان می‌دارد: «مطبوعات به لحاظ زمان انتشار منظم می‌توانند با یکی از فواصل زمانی زیر منتشر شوند: روزی یک بار (روزنامه) - هفته‌ای یک بار (هفته‌نامه) - دو هفته یک بار - ماهی یک بار (ماهنامه) - دو ماه یک بار - سه ماه یک بار (فصل‌نامه) - شش ماه یک بار - سالی یک بار (سال‌نامه)».

یکی از مصادیق مطبوعات روزنامه می‌باشد. روزنامه، نشریه‌ای است که به طور منظم و مکرر منتشر می‌یابد و راجع به مسائل متفاوتی مانند حوادث مختلف روز، عقاید و دیدگاه‌ها، تبلیغات و اطلاعات دیگر است. این نشریه می‌تواند در صبح یا بعدازظهر، ساکنین یک شهر کوچک و یا یک کشور را مورد خطاب قرار دهد و یا حتی دارای مخاطبان بین‌المللی باشد. روزنامه‌ها منتسب به نشریات دوره‌ای هستند و ترکیبی از مقالات، گزارشات، اخبار، یادداشت‌ها و خلاصه‌ها می‌باشند. روزنامه‌ها دارای انواع مختلف همگانی (عمومی)، تخصصی، خارجی و روزنامه‌های مربوط به مشاغل مختلف مانند طبابت و وکالت هستند. (Finch and Fafinski, ۲۰۰۹, P. ۱۸۰)

روزنامه می‌تواند به شکل کاغذی یا چاپی^۲ و یا الکترونیکی^۳ باشد. «روزنامه نگاری الکترونیک» از جمله بحث‌هایی است که تقریباً همزمان با آغاز فعالیت شبکه‌ی جهانی اینترنت در سال ۱۹۹۲ در جوامع گسترش یافت.

روزنامه نگاری الکترونیک در ایران در مهر ۱۳۸۱ با تولی جام جم آنلاین آغاز شد. در روزنامه‌نگاری الکترونیک سه نوع روزنامه وجود دارد:

۱. نسخه‌ی الکترونیکی یا «پی دی اف»^۴ روزنامه: این نوع از روزنامه، از همان روزنامه‌ی چاپی در اینترنت و با فرمت پی دی اف است که از نظر ماهیت تفاوتی با نسخه‌ی چاپی ندارد و قانون مطبوعات هم بر آن صدق می‌کند. (نجفی، همان، ص ۲۶)

۲. رسانه‌های دیجیتال^۵: این نوع از رسانه‌ها همان مسائل و محتوایی که در نسخه‌های چاپی وجود دارد را بیان می‌نمایند.

در رسانه‌های دیجیتال از تکنولوژی‌های دیجیتالی مانند دوربین‌های دیجیتال، کامپیوتر، خطوط ماهواره‌ای و وب سایت‌ها برای تحقیق، ایجاد و ارائه‌ی اخبار و اطلاعات به مخاطبان استفاده می‌شود.

۳. روزنامه‌ی اینترنتی^۶: این نوع از روزنامه‌ها به شکل وب سایت‌های اینترنتی و آن لاین هستند. همان مطالبی که در روزنامه‌های چاپی و یا دیجیتال منتشر می‌شوند، می‌توانند در این نوع از روزنامه‌ها نیز بیان گردند.

به این نوع از روزنامه‌ها، روزنامه‌های آن لاین نیز گفته می‌شود. از ویژگی‌های روزنامه‌های اینترنتی آن است که اخبار و اطلاعات موجود در آن مرتب در حال به روز رسانی شدن است. (Xi gen, ۲۰۱۰, P.۱۵)

مجله، مصداق دیگری از مطبوعات است و آن نشریه‌ای است دوره‌ای که دارای موضوعات خاص مانند سرگرمی، اخبار یا ورزش، داستان‌ها، اشعار و غیره می‌باشد که هر کدام از آن‌ها نویسندگان، عکاسان، طراحان و پدیدآورندگان خاص خود را دارد. در واقع مجله «نشریه‌ای است که برای روشن کردن افکار مردم در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، علمی، فنی یا ادبی و ترقی دادن سطح معلومات مردم و نشر اخبار و اطلاعات و

-
- 3- Digital Newspaper
 - 4- pdf
 - 5- Digital Media
 - 6- Internet Newspaper

مطالب عام‌المنفعه و انتقاد و اصلاح اندیشه در امور عمومی، به طور منظم و در زمان معینی منتشر می‌شود». (نجفی، همان، ص ۲۸)

مطبوعات از لحاظ لغت «نوشته‌های چاپی» (معین، ۱۳۸۶، ص ۸۸۳)، «کالای چاپی و یا نشریه‌ی ادواری مانند روزنامه و مجله» (جلالی، ۱۳۸۶، ص ۶۴۵) و نیز «رسانه‌های خبری و خبرگزاری‌ها» معنا شده است و مترادف «نشریات» (معین، همان، ص ۹۵۴) می‌باشد که آن هم از لحاظ لغوی «مجموعه‌ای از پیام‌ها، تقریرات یا متون است که به صورت چاپ شده و الکترونیکی» می‌باشند.

در فرهنگ لغت آکسفورد، مطبوعات به معنای روزنامه‌ها و مجلات بیان گردیده است. (P. ۱۱۹۸, ۲۰۱۰, Oxford University Press) در جای دیگری هم آمده است که مطبوعات آن چیزی است که اخبار و اطلاعات را برای عموم افراد فراهم می‌آورد. (Pearson Education Limited, ۲۰۰۱, P. ۱۱۳۶)

در بعضی منابع، مطبوعات را با در نظر گرفتن مفهوم لغوی آن به معنی هر چیزی به کار می‌برند که به زیور چاپ آراسته باشد. (رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۲۰۹)

امروزه با پیشرفت تکنولوژی و فناوری‌های جدید، مطبوعات نیز از حالت سنتی درآمده و به شکل مجازی درآمده‌اند. وبلاگ‌ها در واقع شکل جدیدی از مطبوعات هستند که مشمول حمایت کی‌رایت قرار دارند و نسبت به مطبوعات چاپی دارای امتیازاتی هستند؛ از جمله آن که به وجود آمدنشان تقریباً ارزان است و به سرعت مخاطبان بسیاری پیدا می‌کند. (Trenayne, ۲۰۰۷, P. ۱۸۸)

نشریات در معنا وسیع کلمه، به انواع نوشتارهایی اطلاق می‌شود که به صورت‌های مختلف مانند روزنامه، مجله، اعلامیه، آگهی، فیلم‌نامه و نمایش‌نامه چاپ و عرضه می‌شوند. (هاشمی، ۱۳۸۴، ص ۳۴۵)

اما در مفهوم خاص صرفاً نوشته‌های ادواری را شامل می‌شود که در محدوده‌های زمانی خاص و به شکل روزنامه، هفته‌نامه، ماهنامه، فصلنامه و سالنامه منتشر می‌گردند. (همان)

امروزه با گسترش فناوری، مطبوعات به شکل الکترونیکی نیز درآمده‌اند که بر اساس تبصره‌ی ماده ۱ آئین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات «نشریاتی هستند که در محیط دیجیتال با همان صورت، شرایط و ظواهر یک نشریه چاپی و طی فرآیند فعالیت مرسوم

روزنامه نگاری و تحریریه‌ای تولید و به طور منظم و با نام ثابت و تاریخ و شماره‌ی ردیف معینی در یک یا چند زمینه‌ی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تولید و نشر می‌شوند». همچنین، در ماده‌ی ۱ الحاقی قانون مطبوعات که در آذرماه ۱۳۸۸ به تصویب رسیده است، نشریات الکترونیک این گونه تعریف شده است: «نشریه‌ی الکترونیکی رسانه‌ای است که به طور مستمر در محیط رقمی (دیجیتال)، انواع خبر، تحلیل مصاحبه، گزارش را در قالب نوشتار، صدا و تصویر منتشر می‌کند». در این خصوص باید بیان نمود در تعریف و معنای نشریات الکترونیک ابهام وجود دارد و قانون به شکل صریح و بی‌اجمال آن را بیان نکرده است. این مسأله می‌تواند در رسیدگی به تخلفات ناشی از نشریات الکترونیک مشکلاتی را به وجود آورد که شایسته است قانون‌گذار در خصوص آن به رفع ابهام اقدام نماید. نشریات الکترونیکی به دلیل آن که در فضای مجازی و دیجیتال مطرح هستند، دارای ویژگی‌های متفاوتی از نشریات کاغذی می‌باشند که لازم می‌نماید قانون به شکل مبسوط‌تری به ذکر این خصیصه و ویژگی‌ها بپردازد تا در جایی که نیاز به حمایت این گونه نشریات بود، به شکل سریع و قاطع‌تری به حمایت از آن‌ها پرداخت. بنابراین نیاز است تا به این حوزه توجه کامل و بی‌نقصی صورت پذیرد.

بند دوم: تعریف آزادی مطبوعات

آزادی مطبوعات به مثابه‌ی یکی از آزادی‌های عمومی همواره مورد توجه حقوق‌دانان و به دنبال آن قوانین کشورها بوده است. به طور کلی، آزادی‌های عمومی بررسی حقوق و آزادی‌هایی است که از سوی قدرت عمومی برای افراد کشور به رسمیت شناخته شده است. (مؤمنی راد و پتفت، ۱۳۹۲، ص ۹۱) به این ترتیب می‌توان آزادی مطبوعات را یکی از شروط لازم برای تقویت و حقوق و آزادی‌های عمومی دانست.

آزادی مطبوعات به معنای آزادی روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و تلویزیون در گزارش اخبارشان است. این آزادی به طور خاص از مطبوعات مانند روزنامه‌ها و تلویزیون، به عنوان یک صنعت حمایت می‌کند. (Cox, 1983, P. 3) در جای دیگری هم آمده که آزادی مطبوعات، استفاده‌ی هرکس از مطبوعات چاپی یا الکترونیکی است که مورد حمایت نیز قرار می‌گیرد. (Vol oi kh, 2012, P. 160)

اصل آزادی مطبوعات چاپی بر مطبوعات الکترونیک نیز تسری می‌یابد. حق اندیشیدن، داشتن عقیده و بیان آن حق طبیعی تمام انسان هاست و آزادی مطبوعات بخش تکمیل کننده‌ی این حق اساسی است که تمامی انسان‌ها مستحق داشتن آن می‌باشند. بنابراین در این خصوص تفاوتی میان نشریات چاپی و یا الکترونیکی نمی‌باشد چرا که هر دو یک رسالت را دارا هستند و فقط شکل بروز آن‌ها متفاوت از یکدیگر است. دادگاه عالی ایالات متحده‌ی امریکا در سال‌های ۱۷۸۸ و ۱۷۹۱ به طور مشابهی آزادی مطبوعات را به عنوان حقی دانسته‌اند که بر هرکس به عنوان شهروند اجازه می‌دهد که نظراتش را منتشر سازد.

«آزادی مطبوعات به طور عام جستجو، جمع‌آوری و کسب آزادانه‌ی اخبار و اطلاعات و عقاید عمومی، انتقال و مخابره‌ی آزادانه‌ی آن‌ها، انتشار آزادانه‌ی روزنامه‌ها و پخش آزادانه‌ی برنامه‌های یاد شده است». (معمدنژاد، ۱۳۸۶، ص ۲۴)

«به این ترتیب آزادی فعالیت خبرنگاران، انتشار آزاد روزنامه‌ها و مجله‌های مختلف از طرف افراد، مؤسسات و گروه‌های سیاسی و غیرسیاسی و پخش آزادانه و بی طرفانه و واقع بینانه برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و انعکاس آزاد افکار و عقاید عمومی در مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی از شرایط اساسی مطبوعات محسوب می‌شوند. آزادی مطبوعات در این معنا اکنون به عنوان آزادی اطلاعات یا آزادی ارتباطات معرفی می‌شود». (احمدی، ۱۳۹۵، ص ۲۳)

آزادی مطبوعات در معنای خاص «قسمتی از آزادی‌های فردی است که به موجب آن، افراد حق نشر افکار و عقاید خود را از طریق نوشته‌ها یا مطبوعات دارا می‌باشند؛ بدون آن که نشر آن‌ها موقوف به تحصیل اذن یا محکوم به سانسور باشد». (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۴، ص ۳۲)

«نشر آزاد روزنامه‌ها، بدون هیچ‌گونه محدودیت و نظارت قبل از انتشار، عدم توقیف و تعطیلی خودسرانه‌ی آن‌ها بعد از انتشار، پیش‌بینی دقیق ضوابط و مسئولیت‌های قانونی نشریات و رسیدگی به جرایم احتمالی آن‌ها در دادگاه‌های عادی با حضور هیئت منصفه»، تعریفی دیگر از آزادی مطبوعات به معنای خاص آن است. (معمدنژاد، ۱۳۷۹، ص ۲۴)

آزادی مطبوعات به معنای خاص و اصطلاحی آن همان است که در نظر قانون اساسی قرار دارد. اصل بیست و چهارم قانون اساسی این اصل را به رسمیت می‌شناسد و

مقرر می‌دارد: «نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند». (سلیمان دهکردی و افراسیابی، ۱۳۹۴، ص ۸۶)

در قانون اساسی علاوه بر اصل بیست و چهارم، آزادی مطبوعات در اصل سوم نیز به طور غیرمستقیم در ارتباط با حق آگاهی نیز تضمین شده است. (حاجی، ۱۳۹۳، ص ۱۴۷)

قسمت دوم: رویکرد حقوق مالکیت ادبی و هنری به مطبوعات

آثاری که در مطبوعات منتشر می‌گردند، می‌توانند به عنوان یک اثر شناخته شوند که همواره مورد حمایت کپی‌رایت نیز قرار می‌گیرند؛ چرا که با دانش، ابتکار و علم دو یا چند شخص پدید می‌آید. طبق ماده ۱ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، مصوب ۱۳۴۸ اثر به آنچه که از راه دانش یا هنر و یا ابتکار پدیدآورنده پدید می‌آید تعریف می‌شود؛ بدون آن که طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته، در نظر گرفته شود. بر اساس بند دوم ماده‌ی ۱ لایحه حمایت از مالکیت فکری نیز اثر «هر آفریده‌ی فکری اصیل در زمینه‌های علمی، ادبی و هنری» است. بنابراین می‌توان بیان داشت که آثار مندرج در مطبوعات به عنوان اثر شناخته می‌شوند که مورد حمایت حقوق مالکیت ادبی و هنری قرار می‌گیرند.

آثار مطبوعاتی دارای محتواهای بسیاری هستند که مهم‌ترین‌های آن مقاله^۷، نقد و تفسیر^۸، تیترها^۹، اخبار^{۱۰}، عکس^{۱۱}، کاریکاتور^{۱۲}، گزارش و مصاحبه می‌باشند. در صورتی که در هر یک از این موارد اصالت و ابتکار وجود داشته باشد، از آن جایی که نشأت گرفته از خلاقیت و تلاش پدیدآورنده‌ی آن است، مورد حمایت کپی‌رایت قرار خواهد گرفت.

-
- 7- Article
 - 8- Criticism and Commentary
 - 9- Headlines
 - 10- News
 - 11- Photograph
 - 12- Cartoon

مطبوعات به عنوان یک اثر جمعی^{۱۳} شناخته می‌شود. اثر جمعی طبق بند ۴ ماده‌ی ۱ لایحه‌ی حمایت از مالکیت فکری «اثری است که با ابتکار و مسئولیت یک شخص توسط دو یا چند پدیدآورنده خلق و به نام مبتکر منتشر می‌شود». اثر جمعی اثری مانند نشریات دوره‌ای است که در آن چند نفر آثار جداگانه و مستقل از یکدیگر پدید می‌آورند به طوری که این آثار بر روی هم جمع گردند. «اثر جمعی دارای چند ویژگی است: ۱- محدودیت موضوعی نداشته و می‌تواند ناظر بر اثر ادبی و غیر آن باشد. ۲- حاصل فعالیت دو یا چند شخص حقیقی به عنوان پدیدآورندگان اثر است. ۳- به ابتکار و مدیریت یک شخص حقیقی یا حقوقی غیر از اشخاص حقیقی پدیدآورنده است. ۴- اثر زمانی جمعی خواهد بود که طی توافقی که لزوماً مکتوب نیست و طرفین آن شخص مدیر مبتکر و پدیدآورندگان هستند، اثر مستقیماً به نام خود مدیر منتشر شود». (نجفی، همان، ص ۴۴)

بر این اساس می‌توان بیان کرد که نشریات ادواری مانند روزنامه، هفته‌نامه، فصل‌نامه و سال‌نامه یک اثر جمعی هستند چرا که دارای ویژگی مهم آثار جمعی هستند؛ یعنی با همفکری و تلاش دو یا چند شخص حقیقی یا حقوقی پدیدآمده‌اند و سهم هر کدام از همکاران به گونه‌ای در اثر نهایی ادغام شده است که نمی‌توان حق جداگانه‌ای بر آن در نظر گرفت.

درواقع به دلیل انتخاب و سازمان‌دهی مفاهیم در اثر جمعی، می‌توان آن را یک اثر فکری دانست که مورد حمایت کپی‌رایت قرار دارد. (Gol dst ei n, ۲۰۰۱, P. ۱۵۹)

گفتار دوم: حقوق پدیدآورندگان آثار منتشره در مطبوعات

در این گفتار ابتدا به شکل‌گیری مطبوعات می‌پردازیم و پس از آن، این موضوع در سطح مقررات ملی و بین‌المللی بررسی می‌شود.

قسمت نخست: شکل‌گیری حقوق مالکیت ادبی و هنری در مطبوعات

در این قسمت، موضوع ظهور صنعت چاپ و اثر آن در حقوق مالکیت ادبی و هنری و در ادامه، وقایع بعدی آن بررسی می‌شود.

بند نخست: شکل‌گیری صنعت چاپ

تاریخچه‌ی پیدایش کپی‌رایت با اختراع دستگاه چاپ توسط کونتبرگ در سال ۱۴۴۰، در آلمان آغاز شد. (حبیبی مجنده، ۱۳۹۲، ص ۴۸) پیدایش صنعت چاپ و اختراع چاپ‌گر در اواسط قرن پانزدهم میلادی، امکان تکثیر و انتشار نوشته‌های نویسندگان را به نحو انبوهی فراهم آورد. (امامی، ۱۳۹۰، ص ۵۱) این صنعت به تدریج سبب گسترش علم و فرهنگ و ارتقای سواد شد و با وجود این که در دست‌یابی به امتیازات، محدودیت‌ها و انحصاراتی وجود داشت، بازاری از افکار و اندیشه‌ها را شکل داد که در آن اندیشمندان به ترویج نظرات خود پرداختند. در این زمان بود که به تدریج زمره‌ی حقوق طبیعی مؤلفان به راه افتاد و موجبات حمایت از حق مالکیت فکری فراهم گردید؛ چرا که با تکثیر و نشر آثار مؤلفان، راه‌های سوءاستفاده و سرقت از این دسته از آثار فکری فراهم شده بود. بنابراین لازم می‌نمود که قوانین حمایتی نسبت به مؤلفان و آثار آنها فراهم شود. این حمایت‌ها به تدریج در کشورهای دیگر قاره‌ی اروپا مانند انگلستان، فرانسه، هلند و سوئیس نیز کشیده شد. (Gel ler, ۲۰۰۰, P. ۲۲۵)

پس از آن که کپی کردن به طرز جدی و با حجم بالایی در سال ۱۴۶۰ شروع می‌شود، قواعد و مقرراتی در قرن پانزدهم و شانزدهم نبوده است که نشان دهد مؤلفان نسبت به آثار خود مالکیت دارند و بایستی حقوقی هم برای آنها و هم برای ناشران در نظر گرفته شود. در آن زمان از دزدی‌های مطبوعاتی؛ یعنی استفاده‌ی بدون مجوز از آثاری که در مطبوعات آورده می‌شد نیز جلوگیری به عمل نمی‌آمده است و عموم افراد جامعه آزاد بودند تا هر طور که مایل بودند از آن متون استفاده نمایند؛ علت آن هم عدم وجود قانون موضوعه در این خصوص بود. (Deazl ey, ۲۰۰۶, P. ۱۶۲)

بند دوم: قرن ۱۶ و ۱۷

آنچه در فاصله‌ی میان اختراع صنعت چاپ و وضع قانون «آن» مورد بحث است، این است که در این زمان، در کشورهای اروپایی هرگونه حقی که برای مؤلف در نظر گرفته می‌شد، ناشی از عرف رایج در جامعه و به خصوص «در کشورهای کامن‌لا مانند انگلستان، تصمیمات شاهی» بوده است. Bentley, Sut her sannen and

(Torremans, ۲۰۱۰, P. ۱۴) حق مؤلفان برای به چاپ رسیدن آثارشان و انتشار بدون تحریف و تغییر آن که منشأ عرفی و یا شاهانه داشته است، در سطوح غیررسمی و بدون وجود قوانین موضوعه‌ای که از آن حمایت نماید، پذیرفته شده بود و «بخشی از این امر بدان جهت بود که ناشران باور داشتند اگر اثری به همان شکلی که مؤلف آن می‌خواست منتشر شود، سود حاصل از آن نیز به حداکثر می‌رسد. بدین سان، مؤلف پس از فروش امتیاز تکثیر یک اثر، تا حدی بر آن نظارت داشت». (لایقی، ۱۳۸۱، ص ۵)

آنچه به تاریخ چاپ بر می‌گردد متونی بوده است که مربوط به حوزه‌ی ادبیات می‌شده و جنبه‌ی ادبی داشته است. این متون ادبی توسط متخصصان، متولیان کتاب‌ها، کتابداران و پژوهشگران در روزنامه‌ها، مجلات و نشریات مختلف به چاپ می‌رسیده است. آن زمان در زمینه‌ی اقتصادی و در حوزه‌ی مطبوعات میان افراد توافقاتی می‌شده است و سرمایه‌گذاری‌هایی نیز صورت می‌گرفته است؛ مثلاً در مورد سیاست‌های نشر، سانسور و در خصوص امتیازات، شرایط رساله نویسی، تبلیغات در روزنامه‌نگاری و نیز حقوق مادی که برای مؤلفان حرفه‌ای در نظر گرفته می‌شد، مد نظر قرار می‌گرفت. با وجود این که در زمینه‌های مادی افراد میان خود استانداردهایی را در نظر می‌گرفتند، اما چون مداخله‌ی قانونی در آن دیده نمی‌شد، راه برای هرج و مرج و سرقت ادبی باز بود.

در مورد رعایت حقوق معنوی نیز باید بیان کرد که در آن زمان وجود نداشته است. چراکه در قرن نوزدهم بود که حقوق معنوی در فرانسه به رسمیت شناخته شد. (Teilmann, ۲۰۰۴, P. ۲۴)

قسمت دوم: حقوق مالکیت ادبی و هنری در مطبوعات در مقررات ایران و بین‌الملل

بند نخست: مقررات کشور ایران

مقررات ایران در دو دسته مقررات راجع به مالکیت ادبی و هنری و مقررات مربوط به مطبوعات بررسی می‌شود.

۱. مقررات حقوق مالکیت ادبی و هنری

الف - قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸

در این قانون می‌توان موادی را یافت که به شکل غیرمستقیم مربوط به مطبوعات هستند مانند ماده ی ۱ که به تعریف اثر می‌پردازد. اما تنها ماده‌ای که مستقیماً به مطبوعات و نشریات مرتبط می‌شود، ماده ی ۸ این قانون است. این ماده ناظر به نقض این قانون در خصوص مطبوعات، آثار منتشره در آن و مؤلفان آن می‌باشد.

ب - قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی

با توجه به نقصی که در این قانون نسبت به ترجمه‌ی کتب، نشریات و آثار صوتی بود، در ششم دی ماه ۱۳۵۲ قانونی با عنوان «قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی» تصویب شد. در ماده ۲ این قانون، تکثیر نشریات به همان زبان و شکلی که چاپ شده به قصد بهره‌برداری مادی از هر طریقی بدون اجازه‌ی دارنده ممنوع اعلام شده است. البته طبق ماده ی ۵ این قانون، بهره‌برداری از نشریات در جایی که جنبه‌ی غیرانتفاعی و با هدف تحقیق و آموزش باشد، با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجاز خواهد بود. ماده ی ۷ نیز در جایی که استفاده و تکثیر نشریات بدون اجازه‌ی دارنده‌ی آن باشد، ضمانت اجرای کیفری در نظر گرفته است و ماده ی ۹ نیز به ضمانت اجرای مدنی ناشی از نقض حقوق مؤلف در مطبوعات اشاره دارد.

ج ° قانون تجارت الکترونیکی

با پیشرفت سیستم‌های ارتباطی و مبادله‌ی آسان اطلاعات، قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷ به تصویب می‌رسد. ماده ۶۲ این قانون را می‌توان مرتبط با مطبوعات دانست چرا که مطبوعات الکترونیکی، آثار فکری هستند که به صورت داده پیام‌اند و حقوق مادی و معنوی آن‌ها در اختیار مؤلف است. علاوه بر این همان‌گونه که در متن این ماده آمده‌است، در صورتی که آثار مورد حمایت در قانون ترجمه و تکثیر کتب، نشریات و آثار صوتی به شکل الکترونیکی باشند، مشمول حمایت قرار می‌گیرند. بر این اساس می‌توان بیان داشت که نشریات الکترونیکی نیز همانند نشریات نوشتاری مورد حمایت کپی‌رایت قرار دارند.

د - لایحه حمایت از مالکیت فکری

این لایحه برای رفع ابهام نمودن از قانون فعلی و به روز کردن آن تنظیم شده‌است و در بخش اول خود یعنی تعاریف، به تعریف اثر جمعی پرداخته است. بند ۴ ماده ی ۱ بیان

می‌دارد: «اثر جمعی اثری است که با ابتکار و مسئولیت یک شخص توسط دو یا چند پدیدآورنده خلق و به نام مبتکر منتشر شود.» می‌توان بیان داشت که روزنامه و نشریات ادواری از مصادیق اثر جمعی به حساب می‌آیند.

ماده‌ی ۲ نیز مقاله، شعر، قصه و هر نوشته‌ی مکتوب دیگر با مضمون ادبی، علمی، فنی و هنری اعم از دست نوشته، چاپی یا الکترونیکی را جزء آثار قابل حمایت می‌شمارد که این آثار می‌توانند در روزنامه‌ها یا مجلات به کار برده شوند و طبق این قانون مورد حمایت کپی‌رایت خواهند بود. خود مطبوعات یعنی روزنامه‌ها و مجلات ادواری، از آن جهت که یک اثر نوشتاری محسوب می‌گردند نیز مورد حمایتند. علاوه بر این آثار، آثار شفاهی از قبیل سخنرانی، نطق علمی، خطابه، موعظه و نظایر آن نیز که مورد استفاده در مطبوعات چاپی و الکترونیکی هستند، جزء آثار مورد حمایت این قانون در نظر گرفته شده‌اند.

مواد دیگری که به مطبوعات مربوط می‌شوند مواد ۲۰، ۲۲، ۲۵ و ۳۵ هستند که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

۲. مقررات راجع به مطبوعات

الف - قانون مصوب ۱۳۲۶ قمری.

اولین قانون مطبوعات ایران، مصوب پنجم محرم سال ۱۳۲۶ هجری قمری است که به تقلید از قانون مطبوعات ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ فرانسه به تصویب رسیده است. (معمدنزاد، همان، ص ۱۰۱)

موادی که در این قانون مرتبط با حوزه‌ی کپی‌رایت (حق مؤلف) است را بیان خواهیم نمود. ماده‌ی ۱ این قانون اشاره به این موضوع داشت که چاپخانه‌ها موظف هستند هر آنچه که می‌خواهند به چاپ برسانند، اسم و رسم نویسنده و نیز اسم و رسم خود را در آن ذکر نمایند. ماده‌ی ۷ نیز مقرر می‌داشت که «اسم و رسم مدیر روزنامه و اسم مطبوعه که در آن روزنامه چاپ می‌شود، ذکر شود». همچنین به موجب ماده‌ی ۸ نیز «عنوان روزنامه یا جریده» نیز بایستی ذکر می‌گردید و در صورت تخلف دارای ضمانت اجرا بود. ماده‌ی ۱۵ مربوط به درج اعلانات رسمی در روزنامه‌ها بود که مدیر روزنامه حق طفره و تعویق از درج آن را نداشت، چراکه به نظر می‌رسد این مهم به دلیل آگاهی

عمومی از اعلانات رسمی کشور بود که جزء محدودیت‌های حمایتی کپی‌رایت محسوب می‌شود.

ماده ۳۲ این قانون «جعل اخبار و مقالات فتنه انگیز و انتشار آنها و نسبت آنها به کسی به دروغ را ممنوع اعلام کرده و ضمانت اجرایی را ترتیب داده است». این مواد، مواردی بود که مربوط به حوزه‌ی کپی‌رایت می‌شد. اما پیش‌بینی این موارد بسیار ناقص بود و نیاز به اصلاحات داشت.

ب - قانون مصوب ۱۳۶۴ شمسی

قانون مطبوعات در تاریخ قانون‌گذاری ایران، بحث برانگیزترین متنی بوده است که به تصویب رسیده و در عین حال دست کم پنج بار به کلی از بین رفته و متن جدیدی جایگزین آن شده است. در نهایت در اسفندماه سال ۱۳۶۴ این قانون به تصویب می‌رسد. البته آخرین اقدام در زمینه‌ی فعالیت‌های مطبوعاتی، اصلاحیه‌ای است که در تاریخ ۱۳۷۹/۱/۳۰ و در آخرین روزهای دوره‌ی پنجم مجلس شورای اسلامی به تصویب رسیده است. (اسماعیلی، ۱۳۹۴، ص ۸)

قانون مذکور کم و بیش به رعایت حقوق مؤلف می‌پردازد. مثلاً تبصره‌ی ۳ ماده ۵ انتشار مطالب اختصاصی نشریات را با نام پدید آورنده‌ی اصلی او مجاز اعلام نموده است. یا در بند ۹ ماده ۶ سرقت ادبی را اخلال به حقوق خصوصی افراد دانسته است و یا این که ماده ۳۳ رعایت حفظ نام یا علامت نشریه را لازم دانسته است و یا تقلید از نام یا علامت نشریه‌ی دیگری ولو با تغییرات جزئی را ممنوع اعلام کرده و انتشار آن را مجاز ندانسته است.

بنابراین با بررسی در خصوص پیشینه‌ی حقوق مؤلف در مطبوعات در قوانین کپی‌رایت و نیز قوانین مطبوعات ایران، بایستی بیان داشت که در قوانین و مقررات مربوط به هر دو، رعایت حقوق مؤلف به عنوان یک حق برای دارنده‌ی یک اثر به نحو پراکنده‌ای بیان گردیده است و نقض آن اخلال به حقوق خصوصی افراد دانسته شده است.

بند دوم: مقررات بین‌المللی

۱. مقررات مربوط به حوزه مالکیت ادبی و هنری

الف: کنوانسیون برن^{۱۴}

قدیمی‌ترین معاهده‌ی بین‌المللی در حوزه‌ی کپی‌رایت، کنوانسیون برن است، که در پنجم دسامبر ۱۸۸۷ لازم‌الاجرا گردید. (Mol wan, ۲۰۱۳, P.۴۳) در واقع این سند، سنگ بنای رشته‌ی حقوق مالکیت ادبی و هنری را تشکیل می‌دهد. (محمدزاده و محسنی، ۱۳۹۱، ص ۱)

چیزی که شاید مهم‌ترین مسأله در ایجاد کنوانسیون از آغازش بوده است، تأکید آن بر دسته‌بندی «آثار» دارای کپی‌رایت است که در ماده‌ی ۲ بیان شده‌اند. اهمیت مشابهی نیز مربوط به دارندگان این آثار دسته‌بندی شده و حقوق ناظر بر آنها است. (At ki nson and Fi t zger al d, ۲۰۱۴, P.۵۱)

آثاری که مرتبط با بحث مطبوعات هستند و در این کنوانسیون مورد حمایت قرار گرفته‌اند، در ماده ۲ احصاء شده‌اند و شامل کنفرانس‌ها، نطق‌های کوتاه، متون رسمی قانونی، اداری یا قضائی و نیز آثار ادبی و هنری دیگر مانند مقاله، طراحی، نقاشی و عکاسی می‌باشند. اخبار روز که در بند ۸ این ماده آمده است، از حمایت کپی‌رایت مستثنی شده است. با این وصف هرگونه حق مادی و یا معنوی که در این کنوانسیون به رسمیت شناخته شده است، در مورد دارندگان این آثار اعمال خواهد شد. ماده ۲ مکرر، ۱۰ و ۱۰ مکرر نیز شامل مقرراتی هستند که مربوط به حوزه‌ی مطبوعات می‌باشند. بنابراین با توجه به اهمیتی که مطبوعات و آثار مطبوعاتی در جوامع بشری دارند، این کنوانسیون در مواد خود به آنها پرداخته است و مقرراتی را وضع نموده است.

ب: معاهده‌ی وایپو راجع به حقوق مؤلف^{۱۵}

معاهده‌ی دیگری که در خصوص کپی‌رایت است و می‌توان از آن در مواردی که به مطبوعات مرتبط می‌شود استفاده نمود، معاهده‌ی وایپو راجع به حقوق مؤلف، مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۶ است.

14- Bern Convention for the Protection of Literary and Artistic Works

15- WIPO Copyright Treaty (WCT).

به دلیل تحولات ناشی از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات مانند نرم افزارها و پایگاه‌های داده و مبادلات الکترونیکی، سازمان جهانی مالکیت فکری (وایپو) برآن شد تا مقررات کنوانسیون برن را به روز کند. (زرکلام، ۱۳۸۸، ص ۴۵۹)

ماده‌ی ۳ این معاهده اعلام می‌دارد که مواد ۲ تا ۶ کنوانسیون برن در مورد این معاهده نیز اعمال خواهد شد.

براساس آن، همان‌گونه که ذکر شد ماده ۲ و ۲ مکرر کنوانسیون برن به مسائلی می‌پرداخت که در آن مربوط به مبحث مطبوعات بود.

ماده‌ی ۵ نیز مربوط به مجموعه‌ای از اطلاعات است که پایگاه داده^{۱۶} نامیده می‌شود. این ماده می‌تواند مرتبط با مطبوعات باشد زیرا از آن جایی که مطبوعات هم به شکل سنتی (چاپی) و هم الکترونیک هستند، بخش مطبوعات الکترونیک می‌تواند مرتبط با این ماده باشد.

ماده ۱۰ این معاهده به محدودیت‌ها و استثنائات می‌پردازد. براساس این ماده کشورهای عضو دارای این اختیار هستند که موارد استثنا شده از حقوق انحصاری دارنده‌ی اثر ادبی و هنری را در قوانین ملی خود پیش‌بینی نمایند. بر این اساس تکثیر مطبوعات درجایی که با رعایت شرایط و ضوابطی باشد، مانند این که با هدف اطلاع رسانی باشد، می‌تواند یکی از محدودیت‌های اعمال شده در مورد حقوق مادی مؤلف باشد که کشورها آن را در قوانین خود اعمال کنند.

لازم به ذکر است موادی که در این معاهده راجع به حقوق انحصاری مؤلف است، در مورد آثار مطبوعاتی نیز قابل اعمال خواهد بود؛ زیرا همان‌گونه که بیان شد آثاری که در مطبوعات از آن‌ها استفاده می‌شوند می‌توانند به عنوان یک اثر ادبی و هنری شناخته شوند، حال این آثار می‌توانند به شکل چاپی یا کاغذی باشند و یا به شکل الکترونیکی.

۲. مقررات مربوط به حوزه حقوق بشر

الف: اعلامیه جهانی حقوق بشر (مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸)

آنچه در اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر مرتبط با بحث حقوق مؤلف است، مواد ۱۷، ۲۷ و ۲۹ است که به طور اختصاصی به بحث مطبوعات مربوط نمی‌شود، اما می‌توان به طور غیر مستقیم میان آنها و حقوق مؤلف در مطبوعات ارتباطی را به وجود آورد. به بیان دیگر، از آن جایی که این مواد به طور کلی بیان شده‌اند، به شکل غیر مستقیم مرتبط با بحث ما نیز می‌شوند.

ماده‌ی ۱۷ بیان می‌دارد: «۱- هر شخص، منفرداً یا به طور اجتماع حق مالکیت دارد. ۲- احدی را نمی‌توان خود سرانه از حق مالکیت محروم نمود.» بر این اساس مؤلفان آثار ادبی و هنری که شامل مؤلفان آثار مندرج در مطبوعات نیز می‌شوند، دارای حق مالکیت نسبت به اثر خود خواهند بود. حق مالکیت نسبت به اثر پدیدآمده یا به شکل فردی است و یا مانند آنچه که در اثر جمعی مطرح است به نحو جمعی است. طبق آنچه که در بند دوم این ماده آمده‌است، حق مالکیت که شامل مالکیت فکری یا مالکیت ادبی و هنری می‌شود، غیر قابل اسقاط است و کسی نمی‌تواند دیگری را از داشتن آن محروم نماید.

ماده‌ی دیگری که مربوط به بحث ما می‌شود، ماده‌ی ۲۷ است. این ماده مقرر می‌دارد: «۱- هرکس حق دارد آزادانه در زندگی فرهنگی اجتماع شرکت کند، از فنون‌ها و هنرها متمتع گردد و در پیشرفت علمی و فواید آن سهیم باشد. ۲- هرکس حق دارد از حمایت منافع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی یا هنری خود برخوردار شود.» این ماده را می‌توان ناظر بر مبحث کپی‌رایت دانست.

بر اساس بند اول ماده‌ی ۲۷، همه‌ی افراد حق دارند تا از تمامی هنرها و فنون که شامل آثار علمی، ادبی و یا هنری می‌شود، برخوردار شوند. بهره‌مندی از آثار و هنرها شامل آنچه که در مطبوعات منتشر می‌شوند نیز خواهد شد. البته از طرفی این بند ناظر به آزادی اطلاعات هم می‌باشد چرا که در متن آن آمده همه‌ی افراد می‌توانند آزادانه از فنون و هنرها بهره‌مند گردند. به عبارت دیگر استفاده‌ی افراد از آثار، اطلاعات و علوم آزاد است. البته ماده‌ی ۲۹ این آزادی را تابع محدودیت‌هایی دانسته است که کشورها برای خود مقرر می‌نمایند.

در خصوص بند دوم ماده‌ی ۲۷ نیز باید بیان داشت که این بند پس از جنگ جهانی دوم به رسمیت شناخته شده است و ناظر بر منافع مؤلفان می‌باشد. اما در یک مفهوم کلی باید بیان داشت که استانداردهای حقوق بشری برای حمایت از مؤلفان، استانداردهای حداقلی می‌باشد. دسته‌بندی حقوق مادی و معنوی که ناشی از محصولات علمی و ادبی برای مؤلفان شناخته می‌شود، به دست کنوانسیون‌های حقوق بشری نمی‌باشد و قانون‌گذاری‌های ملی و کنوانسیون‌های مربوط به حقوق مؤلفان مانند کنوانسیون برن بایستی آنها را برشمارند.

نکته‌ای که در این خصوص باید بیان داشت این است که حمایت مذکور در بند دوم ماده‌ی ۲۷ تنها به یک مؤلف یا خالق اثر دلالت ندارد، بلکه در مواردی که یک اثر به صورت جمعی مانند یک نشریه باشد نیز دارای حقوق مادی و معنوی خواهد بود.

ماده‌ی ۲۹ در بند دوم خود، محدودیت‌های ناظر بر حقوق مادی و معنوی مؤلفان را تابع قانون و رعایت حقوق دیگران دانسته است و مقرر می‌نماید: «هر کس در اجرای حقوق و استفاده از آزادی‌های خود، فقط تابع محدودیت‌هایی است که به وسیله‌ی قانون، منحصرأ به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی، در شرایط یک جامعه‌ی دموکراتیک وضع گردیده است». بنابراین اعلامیه‌ی حاضر در مقام شمارش این محدودیت‌ها نمی‌باشد و به رسمیت شناختن آنها با قوانین ملی کشورها و کنوانسیون‌های مربوطه خواهد بود.

ب: میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶)

موادی که در این میثاق به نوعی مرتبط با حقوق مؤلف به طور کلی است، ماده‌ی ۱۸ و ۱۹ می‌باشد. بر اساس این دو ماده، هر انسانی دارای حق آزادی ابراز عقیده و آزادی تفحص، تحصیل و اشاعه‌ی اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به سرحدات خواه شفاهاً یا به صورت نوشته یا چاپ و یا هنری خواهد بود. نحوه‌ی ابراز و اجرای این حقوق در بسیاری از موارد از طریق مطبوعات یعنی روزنامه‌ها و مجلات صورت می‌گیرد که از این لحاظ می‌تواند مرتبط با بحث ما نیز باشد.

طبق بندهای سوم مواد ۱۸ و ۱۹ این میثاق، آزادی‌های مذکور تابع محدودیت‌های قانونی است که یکی از آن‌ها رعایت حقوق دارندگان آثار ادبی، علمی و هنری است و در این مواد تحت عنوان «حمایت از حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران» ذکر شده است.

ج: میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶)

تنها ماده‌ای را که در این میثاق می‌توان مرتبط با حق مؤلف دانست، ماده‌ی ۱۵ است که می‌توان آن را با مطبوعات نیز در ارتباط دانست. بر اساس قسمت الف و ب بند ۱ ماده‌ی ۱۵، «هر انسانی دارای حق شرکت در زندگی فرهنگی» و «بهره‌مند شدن از پیشرفت‌های علمی و مجاری آن» را دارا می‌باشد. یکی از راه‌های شرکت در زندگی فرهنگی و بهره‌مندی از پیشرفت‌های علمی، از طریق مطبوعات است که لازمه‌ی استفاده و بهره‌بردن از آنها رعایت حقوق مؤلفان آن‌ها می‌باشد که در بند ج همین ماده ذکر گردیده است. بر اساس این بند، «هرکس حق بهره‌مند شدن از حمایت منافع معنوی و مادی ناشی از هر گونه اثر علمی - ادبی یا هنری خود می‌باشد».

این حقوق برای حفظ، رشد و انتشار علم و فرهنگ است و پیش‌بینی منافع مادی و معنوی به دلیل تشویق، توسعه و مشارکت در زمینه‌های علمی و فرهنگی می‌باشد.

به رسمیت شناختن حق هر انسانی برای شرکت در زندگی فرهنگی و بهره‌مندی منافع حاصل از آن، با عنوان «حق دسترسی به اطلاعات و فرهنگ» شناخته می‌شود که بیشتر از طریق مطبوعات صورت می‌پذیرد. حق هر انسان برای شرکت در زندگی فرهنگی شامل مشارکت با افراد دیگر برای ایجاد آثار فکری و احساسی جامعه، و به اشتراک گذاشتن آن‌ها با دیگران است.

از دولت‌ها انتظار می‌رود اقداماتی را برای حمایت و حفظ حقوق مندرج در این ماده انجام دهند و متعهد به آن گردند.

با بررسی تاریخچه‌ی حقوق مؤلف در زمینه‌ی مطبوعات در سطح بین‌المللی و در دو حوزه‌ی مقررات مربوط به مالکیت ادبی و هنری و مقررات مربوط به حقوق بشر، روشن گردید که مقررات مالکیت فکری و بالأخص کنوانسیون برن به نحو شایسته‌ای به این موضوع پرداخته است و به دنبال آن نیز معاهده‌ی واپیو راجع به حقوق مؤلف، مقررات آن را به روز کرده است.

در خصوص مقررات مربوط به حوزه‌ی حقوق بشر نیز باید بیان کرد که در اعلامیه حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و همچنین میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، بهره‌مندی هر شخص از منافع معنوی و مادی آثار علمی، فرهنگی و یا هنری خود به طور کلی بیان گردیده است و در این مورد می‌توان مطرح نمود که هر سه سند به نحو غیرمستقیم به رعایت حقوق مؤلف در مطبوعات پرداخته‌اند.



نتیجه‌گیری

مطبوعات ابزاری هستند برای تأمین جامعه‌ای آگاه و سازنده از مجرای خبررسانی و آگاهی بخشی. رسالت مطبوعات، با آزادی مطبوعات و دسترسی به اطلاعات ملازمه دارد و این تلازم ممکن است موجب نقض حقوق مؤلفینی شود که آثاری در مطبوعات منتشر کرده و یا آثار آنها از طریق نشریات نقل می‌شود. ایجاد تعادل بین حقوق مالکیت ادبی و هنری از یک سو و آزادی مطبوعات و ضرورت آگاهی بخشی مردم، وضع مقررات خاصی را در سزح ملی و بین‌المللی ایجاب می‌کند.

مقرراتی که در حوزه مطبوعات به تصویب رسیده است، هیچ کدام حقوق مؤلف را به طور جدی و مؤثر بیان نکرده‌اند و همچنین سخنی از مصادیق و آثار مورد حمایت در مطبوعات مانند خبر، مقاله، عکس و... و استثنائات ناظر بر آن نشده‌است و این خلأ سبب شده‌است که شاهد نقض حقوق مادی و معنوی دارندگان آثار منتشره در مطبوعات باشیم.

با وجود این در مقررات خاص مالکیت ادبی و هنری به این نکته توجه شده و برای حمایت از مؤلفین مقررات علی‌حده‌ای وضع گردیده است. کنوانسیون برن به عنوان اولین و مهم‌ترین مقرر بین‌المللی در حوزه حقوق مؤلف، به لزوم تعادل بین حقوق مؤلف و حقوق مطبوعات اشاره شده و کشورهای عضو به وارد کردن آن در مقررات ملی خود مختار شده‌اند. در حقوق ایران، قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸ به این مهم توجه نداشته است، ولی لایحه به خوبی حمایت از مؤلفین را در مطبوعات با لحاظ حقوق مطبوعات، مدنظر قرار داده است و در بند ۱ ماده‌ی ۵ خود، اخبار روز و رویدادهای جاری را به عنوان استثنایی بر حقوق مادی مؤلف مطرح می‌نماید. نکته‌ی دیگر آن است که امروزه با توجه به پیشرفت فناوری، شاهد پیدایش مطبوعات در فضای مجازی و محیط الکترونیکی هستیم که شایسته است تمامی مقررات به نحو دقیق و بدون ابهام به آثار و حقوق دارندگان آثار ادبی و هنری در مطبوعات بپردازند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. احمدی، حبیب‌الله، (۱۳۹۵)، آزادی مطبوعات در نظام حقوقی ایران از منظر حقوق بشر بین‌المللی، انتشارات مجد، چاپ اول
۲. اسماعیلی، محسن، (۱۳۹۴)، حقوق مطبوعات، چالش‌های امروز و نیازهای فردا، رسانه، دوره ۲۶، شماره ۳، ص ۷-۸
۳. امامی، اسد...، (۱۳۹۰)، حقوق مالکیت معنوی، انتشارات میزان، چاپ اول، جلد اول
۴. جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ اول، جلد پنجم
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۴)، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، چاپ هفتم.
۶. جلالی، تهمورس، (۱۳۸۶)، فرهنگ جلالی ویراست فرهنگ پایه، نشر اختران، چاپ اول
۷. حاجی، زهرا (۱۳۹۳)، بررسی قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در نظام حقوقی بین‌المللی و ملی، فصل نامه علوم خبری، دوره دوم، شماره ۹، ص ۱۴۷
۸. حبیبی مجنده، محمد، (۱۳۹۲)، هم‌افزایی کپی‌رایت و آزادی بیان، مجله حقوق تطبیقی، ج ۹، دوره ۹۷، شماره ۱، ص ۵۴
۹. حکمت‌نیا، محمود، (۱۳۹۱)، فلسفه مالکیت فکری، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۱۰. رحیمی، مصطفی، (۱۳۸۹)، قانون اساسی مشروطه ایران و اصول دموکراسی، انتشارات نیلوفر، چاپ چهارم

۱۱. زرکلام، ستار، (۱۳۸۸)، حقوق مالکیت ادبی و هنری، انتشارات سمت، چاپ دوم
۱۲. سلیمان دهکردی، الهام، افراسیابی، علی، (۱۳۹۴)، حق دسترسی آزاد به اطلاعات در نظام حقوقی و بین‌المللی، فصل‌نامه علمی-ترویجی مطالعات بین‌المللی پلیس، دوره ۶، شماره ۲۱، ص ۸۶
۱۳. لایقی، غلامرضا، (۱۳۸۱)، کپی‌رایت در کشورهای پیشرفته ی صنعتی، انتشارات خانه کتاب، چاپ اول
۱۴. معتمد نژاد، کاظم، (۱۳۸۶)، حقوق مطبوعات، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، جلد اول
۱۵. معتمد نژاد، کاظم، (۱۳۹۰)، تحولات مبانی حقوقی آزادی رسانه‌ها در عرصه ملی، منطقه ای و بین‌المللی، فصل‌نامه پژوهش حقوق عمومی، دوره ۱۳، شماره ۳۵، زمستان ۱۳۹۰، ص ۴۴-۱
۱۶. معین، محمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ لغت، انتشارات زرین، چاپ سوم
۱۷. مؤمنی راد، احمد، پتفت، آرین، مقایسه تطبیقی محدودیت‌های حاکم بر آزادی مطبوعات در نظام حقوقی ایران و انگلستان، دو فصل‌نامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، سال دوم، شماره ۵، پاییز و زمستان ۹۲، ص ۱۰۶-۸۹
۱۸. هاشمی، محمد، (۱۳۸۴)، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، انتشارات میزان

منابع لاتین

1. Abdalla Jaradat, Nashat Mahmoud (2011), Interface Between IPR and Human rights: A Study with Reference to International Law, Australian Journal of Business and Management Research, Vol.1, No.9, P.14-17
2. Atkinson, Benedict, Fitzgerald, Brian (2014), A Short History of Copyright, Springer
3. Bently, Lionel, Suthersanen and Paul Torremans (2010), Global
4. Copyright, Edward Elgar Publishing
5. Cox, Archibald (1983), Freedom of the press, U.III.L.Rev, P.3
6. Deazley, Ronan (2006), Rethinking Copyright: History, Theory,

7. Language, Edward Elgar
8. Eugene, Voloikh (2012), Freedom for the Press as an Industry, or for the Press as a Technology? From the Framing to Today, University of Pennsylvania Law Review, Vol.160
9. Finch, Emily, Fanfinski, Stefan (2009), Legal skills, Oxford University Press
10. Geller, Paul Edward (2000), Copyright History and the Future: What Culture Got to Do With It?, Journal of the Copyright Society of the USA, Vol.47, P.209-264
11. Goldstein, Paul (2001), International Copyright: Principles, Law and Practice, Oxford University Press
12. L.Chinni, Christine (1992), Droit D auteur Versus the Economics of Copyright: Implications for American Law of Accession to the Berne Convention, Western New England Law Review, Vol.14, No.2, P.145-174
13. L.Eisenstein, Elizabeth (1979), The Printing Press as an Agent of change, Cambridge University Press, Vol.1
14. Li, Xigen (2010), Internet Newspaper: The Making of a Mainstream Medium, Routledge
15. Longman Advanced American Dictionary (2001), Pearson Education Limited, Second Publication
16. M.Olwan, Rami (2013), Intellectual Property and Development: Theory and Practice, Springer
17. Oxford Advanced Learner s Dictionary (2010), Eighth edition, Oxford University Press
18. Teilman, Stina (2004), British and French Copyright: A Historical Study of Aesthetic Implications, Department of Comparative Literature University of Southern Denmark
19. Vilanka, Olli (2014), Article 27 of the Universal Declaration of Human Rights and Internet: A Study Evaluating Role of Prosumers, Authors and Corporations in the Information Society, Unigrafia Oy Helsinki
20. Wipo (2008), World Intellectual Property Handbook: Policy Law and Use, retrived on 12 Jan. 2017 from:<http://www.wipo.int>

21. The press and Registration of Books act, Universals NewDelhi, retrived on 15Dec.2017 from http://indian_kanoon.org/doc/172767
22. Wipo (1978), Guide to the Berne Convention for the Protection of Literary and Artistic Works, No. 615

